

خواننده‌ای

که در اروپا از

فلسطین خواند

محسن توسلی از خوانندگان فعال عرصه تولید آثار موسیقایی مرتبط با موضوع مقاومت طی روزهای گذشته با همراهی رایزنی فرهنگی ایران در یونان به اجرای چند قطعه موسیقایی با موضوع فلسطین پرداخت.
در این نشست که با حضور رئیس جامعه فلسطینیان یونان، رئیس مرکز فرهنگی بریا، رایزن فرهنگی کشورمان در یونان و مهدی زرشکیان مرشد ورزش های زورخانه ای و جمعی از فرهیختگان یونانی برگزار شد، برای اولین بار کلبه سپه زنانه غزه که با حمایت سازمان

فرهنگ و ارتباط اسلامی با خوانندگی محسن توسلی تولید شده است، پیش روی مخاطبان قرار گرفت. این در حالی است که این خواننده تعدادی از آثار خود درباره موضوعات فلسطین از جمله «قوت در قدس» را برای حاضران در برنامه اجرا کرد.
عبداللطیف درویش، نماینده جامعه فلسطینیان در یونان در این برنامه گفت: مطمئن باشید که همان طور که آمریکایی ها در ویتنام نماندند صهیونیست ها هم در اراضی اشغالی نخواهند ماند.
پیروزی قطعا نزدیک است و صبح

پیروزی در سرزمین های اشغالی به زودی طلوع خواهد کرد. محسن توسلی پیش از اجرای خود عنوان کرد: یکی از بهترین ابزارها برای حمایت از مردم فلسطین ابزار موسیقی است که مادر ایران از این ابزار برای دفاع از مردم مظلوم فلسطین بهره می بریم. من بیش از ۷۰ اثر حماسی خوانده ام که بیش از ۱۰ اثر در حمایت از مردم مظلوم فلسطین است. معتقدم همه هنرمندان باید بخشی از فعالیت های خود را برای دفاع مردم مظلوم فلسطین اختصاص دهند./ مهر

با رضا مهدوی، نوازنده، موسیقی پژوه و مدرس دانشگاه در گفت وگو با «جام جم»:

هنوز نمی دانیم از موسیقی چه می خواهیم!

ایران فرهنگی، گستره‌ای است فراجغرافیایی. در این قلمرو به راستی دست به ملوکوت می‌رسد بس که آیین‌ها و رسوم و در کل فرهنگ این کهن بوم و بر، متعالی و سرشار از معنویات و مفاهیم تعالی بخش و اهورایی است. هیچ جای جهان، چنین

سرزمینی نمونه ندارد که از هر گوشه‌اش موسیقی ویژه همان ناحیه و اقلیم به گوش جان بنشیند. درهم‌سخنی جام‌جم با بزرگان موسیقی بسیار

گزارش شد که دولت‌ها برای معرفی موسیقی ایرانی به جهان، کار دامنه‌دار، سنجیده و ادامه‌داری به انجام نرساندند و با این مهم، سلیقه‌ای

همگرایی میان ملل و اقوام ایران فرهنگی در نخستین گام با بازشناسی داشته‌ها و آشنایی‌های بنیادین ممکن می‌شود که در نتیجه، برپایی تمدن نوین ایرانی - اسلامی دست‌یافتنی‌تر خواهد شد. در آغاز پیردازیم به معرفی‌نشدن درست و رسای موسیقی ایرانی به جهان؟

موسیقی ما چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی به دو صورت معرفی شده؛ دولت‌ها بنا به ضرورت از هفته‌های فرهنگی و تبادلات و گفتمان فرهنگی، حمایت کرده‌اند و گروه‌های مختلفی را به دیگر کشورها فرستاده‌اند. همچنان که در جاده ابریشم از

گذشته‌های دور، بسیاری از سازها و آدوات موسیقایی با ویژگی‌های فرهنگ محوری توسط کاروان‌ها و تجار در سده‌های اخیر جابه‌جا شده و چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن دولت‌ها و افرادی به طور خصوصی چنین امر مهمی را بی‌گرفته‌اند. حجم تلاش افراد در پس از انقلاب اسلامی بسیار بیشتر هم شده است. یادمان نرود در دهه ۷۰ در بزرگ‌ترین مجمع موسیقی در جهان (آوینیون فرانسه) تنی چند از بزرگان موسیقی نواحی و اقوام ایران از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور یافتند و جوایز و لقب‌های مهم دریافت کردند؛ مایه افتخار ایرانی و ایران شد.

📌 **لقب «مرورآید اقیانوس» سزاوار مرحوم شاه‌میرزا مرادی، مرحوم حاج قربان سلیمانی و شیرمحمد اسپندار شد که رسانه‌های جهان با عنوان‌هایی مانند: گنج راستین ملی، پدیده و ستاره، ستایش کردند.**

همچنان این موضوع در حال اتفاق است و سال‌هاست هنرمندان از رهگذر فضاهای مجازی و حقیقی، آثارشان را ویرترین منشر می‌کنند و به‌جنشواره‌های فرستند و جایزه‌های می‌گیرند و تحلیل هم می‌شوند. هنرمندان، پرشمار شده‌اند همانند جمعیت. پیش از انقلاب این تعداد مراکز آموزشگاه و دانشگاه موسیقی نبود. در گذر این ۴۰ سال شمار علاقه‌مندان و فعالان موسیقی حتی در عشر تابوان و مذهبیون فرونی گرفته، پیش از انقلاب بانوی آهنگساز، عودنوازنی نواز حرفه‌ای نداشتم. به‌نظرم نباید واقعیت از چشمان مان دور شود. به‌واسطه این‌که از قدیم گفته‌اند مرغ همسایه برای ایرانی‌ها غار است؛ برخی ایرانیان هویت فرهنگی خود را با این‌که به آن وقوف دارند اما به راحتی از آن عبور می‌کنند و نگاه‌شان به همسایه و غرب است. در مدرک لیسانس موسیقی پیش از انقلاب واژه جهانی وجود نداشت ولی به مدد نگاه اشتباه یک مدیر در دانشگاه هنر، عنوان جهانی به مدرک دانشگاهی از دهه ۸۰ افزوده شد و به‌نوعی به موسیقی غرب نسبت به ایران برتری داده شد؛ همچنان این اشتباه با وجود اعتراض نهادها، استادان و دانشگاه‌ها تاکنون اصلاح نشده؛ در نتیجه به پیلان‌نواز اعتبار بیشتری قائل می‌شوند تا نای نواز و دوتارنواز؛ در حالی که چنین تقسیم‌بندی‌ای در دیگر ممالک وجود ندارد. این در حالی است که دانشگاه‌ها و هنرستان‌های موسیقی نیازمند سرفصل‌های درسی جدید بینارشته‌ای متناسب هستند. آموزش‌های استاد- شاگردی در کنار سرفصل‌های تکراری و نامتناسب با جامعیت ایرانی لازم است، در مقابل نگاه مدهوشانه عده‌ای به فرهنگ و هنر غرب؛ تا زمانی که دیدگاه‌های کلیشه‌ای در کلان هنر حاکمه طبیعی جلوه می‌کند پرسش‌هایی باید طرح شود مانند این‌که چرا فعالیت برای معرفی و توسعه هنر موسیقی نبوده، در حالی که حرکت‌ها موسیقایی به شکل متکثر و گسترده در حال انجام است؟

📌 **اتفاقا برخی اهالی موسیقی با جام‌جم همچون شریفیان،**

روشن‌روان و... تاکید داشتند که تلاش‌های شخصی اثرگذار بوده اما حمایت دولتی اگر بوده، سلیقه‌ای صورت گرفته است.

بله، درست می‌گویند. برخی مدیران سلیقه‌ای رفتار کرده‌اند، ولی این تماما به مدیران برنمی‌گردد. زیرا درحوزه مدیریتی موسیقی عوامل دیگری دی‌نفود هستند. مثلا مشاورت مهره‌های سوخته آسیب‌هایی بر اعتماد برخی موسیقیدانان و بدنه موسیقی وارد می‌آورد؛ آیین‌نامه‌ای که بپردازد به محل و نوع حمایت، سیاست‌گذاری، نظارت و عدم موزای‌کاری لازم است. هرچند که قرار است در شورای انقلاب فرهنگی، سند ملی موسیقی مصوب شود. البته امیدوارم تمامیت آن به نفع موسیقی و موسیقیدانان ایرانی در تمامی گونه‌ها باشد و نه ایجاد ابهام بیشتر؛ توجه داشته باشیم در حاکمیت علیرغم محدودیت‌های فقهی بر موسیقی، بودجه‌ها با حساسیت تخصیص می‌یابد. در چندین برنامه سند تحول و توسعه کشور تاکنون نامی از موسیقی برده نشده و شاید با اشاره به سیما بسنده شده؛ برای همین نیازمند پیوست فرهنگی جامع در امور موسیقی هستیم. موسیقی اعتبار و بودجه مستقل ندارد و به عبارتی، کمک‌گیر از نهاد و سازمان‌های متنوع خود است!

📌 **نظر شما درباره کل بودجه‌های دولتی برای جشنواره‌ها و اعزام گروه‌ها چیست؟**

بودجه تخصیصی این‌گونه اجراها در قامت هنر دینی در کنار جشنواره‌های موسیقی فجر، نواحی، جوان و غیره در نوع خود قابل توجه است. به ویژه دستمزد برخی هیات داوران جشنواره دولتی موسیقی جوان. کنسرت‌های موسیقی مذهبی در گونه‌های مختلف باعث می‌شود برخی دیدگاه‌های متعصبین و سخت‌رویه به موسیقی را روشنی بخشد. امیدوارم هر ساله این رویه تکرار و قوت یابد. بنده خود آغازگر این راه در اواسط دهه ۷۰ در تالار اندیشه حوزه هنری با سنتور و آواز بودم که به مرور گسترش یافت. اعزام گروه‌های موسیقی هم از سوی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی انجام می‌شود. البته بایودجه‌های نیم‌بند و مقطعی و برنامه‌ریزی‌های ضعیف که به‌ندرت اجراهای کیفی را شاهدیم، باید گفت در کلان مدیریت فرهنگی نگاه به موسیقی زاویه دار است که نمی‌گذارد مدیر خوش فکر و ایده‌پرداز جسورانه فعالیت‌هایش را به طور دقیق و عمیق پیوراند. نگاه کلان حاکمیت به موسیقی تا حدی خوب و قابل تامل است اما بیشتر حمایتی- مناسبتی است. بودجه‌ریزی باید به سمت ایجاد انگیزه و

رغبت در مسیر تحول باشد.

📌 **تاکنون دولت‌ها ویژگی‌های فرهنگی روشنی به ویژه در عرصه موسیقی ترسیم نکرده‌اند؛ گویی قضاوت تاریخ و مردم برای مدیران فرهنگی اهمیت چندانی ندارد!**

این بحثی است که نیاز به آسیب‌شناسی دارد. یادمان نرفته در دولت گذشته بودجه قابل توجهی به ارکستر ملی و سمفونیک تهران داده شد. آقای رهبری برای بیست اجرا از رهگذر حضور مُهره مدیران سوخته دستمزدی قابل توجه گرفت که حتی پیش از انقلاب هم به رهبری فرهاد مشکات سابقه نداشت. اما حاصل چه شد؟ چه اتفاقی برای ارکسترها افتاد؟ ارکسترها سربلتر شدند؟ رفتارهای مقطعی و سلیقه‌ای و درمان آسپرینی چه نتیجه‌ای دارد؟! پس حمایت می‌شود، و بودجه هم به وقش می‌دهند. لازم باشد از خارج گروه و هنرمند هم دعوت می‌کنند یا به خارج اعزام هم می‌کنند. به نظرم حاکمیت تمایل دارد اوضاع موسیقی و موسیقیدان هر روز بهتر شود اما مشاوره‌ها و آدرس‌های غلطی که برخی مشاوران مدیران ارشد می‌دهند، منابع را هدر می‌رود و خروجی مناسبی به نفع تمامیت موسیقی احساس نمی‌شود.

📌 **شما در زمینه مدیریتی هم سابقه قابل توجهی دارید، به نظر شما بدنه موسیقی هنگام با مدیریت‌های هنری است؟**

به نظرم اگر اهالی موسیقی به هم آسیب نزنند و برای هم حاشیه‌سازی نکنند، اوضاع بهتر خواهد بود. مدام نگوییم این ژانر خوب یا بد است. عقب یا جلوتر است یا سلاح این بالا یا پایین است، سواد آن زیاد یا کم، و چه و چه... مثلا زیاد یاد مجتبی میرزاده نایفه کمانچه و دیگر سازها، تنظیم‌کننده و آهنگساز بیش از صداها و آهنگ انقلابی در هشت سال دفاع مقدس؛ چرا نام و یاد ی از او نیست و جایزه‌ای به نامش نشد؟ چون به ایشان وامثال این مرحوم از سوی همکارانش ظلم شده سال‌ها این نایفه موسیقی با اندک حقوق خدمت‌ها کرد اما سرشناسانی بُخل می‌ورزیدند به

دانش و فهم و درک و زمانه و موقعیت‌شناسی ایشان و البته ناراحت بودند از همراهی‌اش با انقلاب. این‌که تنظیم‌های ماندگار خلق می‌کرد و مثل ایشان هم کم نداشتم و نداریم. این تنگ‌نظری برخی اهل موسیقی، مدیران را به بی‌باوری و بی‌اعتمادی به کلیت موزیسین‌ها کشاند. چنانچه جماعت موسیقی متحدوار در جشنواره‌های مختلف حضور داشته باشند و دوشادوش مردم و دولت پیش بروند، اوضاع موسیقی بهتری می‌شود. حتی کمیسیون فرهنگی مجلس هم به این

نگاه



احیای موسیقی جاده ابریشم

درباره جاده ابریشم امیدوارم فرهنگستان هنر یادانگشاه‌ها به کوشش بپردازند و استادان اهل فن آشنای تمام دنیایه جاده ابریشم دعوت شوند تا دست‌کم از این همایش بین‌المللی دستاوردهایی حاصل آید. سال‌ها در کنسرت‌های پژوهشی و آموزشی در حوزه هنری به دنبال حرف‌های تازه‌ای گذشتہ بودم. با بازنگری در ارایده‌آل‌ها افاق آینده می‌توان به کلان جامعه هنری و مدیریتی مناسب دست یافت. خوب است مشخص کنیم از مسیر موسیقی چه می‌خواهیم. نباید به خاطر ناراحتی‌های شخصی هر چیزی را زیر سؤال برد. نمی‌توانیم گفته‌های بزرگمرد موسیقی، روح... خالق، یا کلام نایفه موسیقی ابوالحسن صبا یا فارابی و ابن‌سینا را نادیده بگیریم، یا عبدالقادر مراغه‌ای که ادامه‌دهنده راه فارابی بوده و موسیقی زمانه‌اش پیشرو محسوب می‌شده و امروزه دستمایه دانشجویان موسیقی ملی قرار گرفته. حرف بسیار است اما مهم‌تر از حرف، عمل است که باید با حضور همگانی به‌طور جد برای توسعه و کیفیت بخشی هنر و فرهنگ و موسیقی ایران تلاش‌ها کرد و حتی از جان مایه گذاشت.



باور می‌رسد تا اختصاص ردیف بودجه به موسیقی مظلوم را اصلاح و اعتباربخشی کند.

📌 **اما غافل نباشیم از این موضوع با این‌که موسیقی، زبانی جهانی است چرا همه**

اعتبارات محدود به سینما می‌شود؟

به نظرم نگاه حاکمیتی همان‌قدر که برای سینما اعتبار قائل است برای موسیقی هم اعتبار قائل شود. موسیقی بسیار تاثیرگذارتر از دیگر هنرها است و در جهان در کنار سینما حرف اول را می‌زند. متأسفانه برخی اهل فن موسیقی موقعیت‌شناس نیستند؛ گاهی گوشه‌نشین و منزوی و گاه به‌مسیر اشتباه می‌روند به جای این‌که بیابند و صحنه را خالی نکنند. همین مسأله باعث بی‌اعتمادی شده است.

📌 **جایگاه صنف در این موضوع کجاست؟**

جایگاه صنف و دیگر دستگاہ‌ها هم باید دقیق

تبیین شود. نگاه صنفی درست می‌تواند برای موسیقی حاشیه‌ها را کم‌رنگ و امیدافزایی و فعالیت بیشتر را برای نسل‌ها پررنگ‌سازی کند. جالب است که صنف کم نداریم؛ خانه موسیقی، انجمن صنفی هنرمندان موسیقی، ناشران موسیقی و حتی کلونی‌های خودجوشی وجود دارد اما نه آنچنان فعال!؟! تا دل‌توان بخواجه، چندین جا

متولی امر موسیقی داریم اما جایگاه حقیقی موسیقی پما هُمو موسیقی ناپیداست! هریک از این محفل‌ها با عنوان صنف وابسته و غیروابسته جبهه‌ای شده و دسته و گروه تشکیل داده‌اند. طبیعی است که در چنین پراکنشی برای موسیقی ایران، اتفاق نیکویی نمی‌افتد و هر دولت و مدیری، اعمال سلیقه و توجهیات خود را دارد. بد نیست جماعت موسیقی که به‌ندرت در یک نشست گردهم می‌آیند، بیابند و گفتمان کنند تا در کرسی از شرایط اجتماعی به میان آید. عموماً به‌همدیگر معترض هستند و این چیزی است که دست‌کم در ۳۰ سال کار مدیریتی، تولید، آموزش و اجرا شاهد بودم که چه آسیب‌ها و آفت‌هایی به ساختار موسیقی کشور زده و گویا آگاه نیستیم چه پیامدهایی به دنبال دارد. جامعه موسیقی در کنار مدیران نهاد‌های موسیقی بهتر است متحد، خوش‌اخلاق، نیک‌رفتار و روراست مسیر را برود. برای پدیدآوری اتفاق‌های فرخنده در موسیقی افتراق‌ها و بی‌اعتمادی‌ها فاجعه است. باید در گام نخست، محورت اخلاق و اعتمادسازی بین اهل فن موسیقی و دولتمردان نهادینه‌سازی شود.



برای خواندن متن کامل می‌توانید را اسکن کنید

قاب



کلیونه‌های وحشی دشت امیدم

امروز سالروز زلزله ویرانگر در شهر تاریخی بم است که به کشته شدن هزاران نفر از هموطنان مان انجامید. یکی از بمی‌هایی که در این رویداد، درگذشت، خواننده خاطره‌ساز زنده‌یاد ایرج بسطامی است. بسطامی هنرمندی فروتن،

مردمی و در عین حال خوش‌صدا و متخصص در هنر خود بود. بعد از ۲۰ سال از این رویداد تلخ، همچنان صدای سوزناک وی به‌خصوص «کلیونه‌ها» که به آهنگسازی حسین پیرنیا جاودانه شد، خاطره‌ساز است.



برای شنیدن کلیپ این آهنگ می‌توانید را اسکن کنید

نوا

مرحله ملی جشنواره موسیقی در تالار رودکی

مرحله پایانی شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران با عنوان ملی از ۱۶ تا ۱۹ دی در تهران و به میزبانی تالار رودکی با دو بخش «اجرای صحنه‌ای» و «پژوهشی» برگزار خواهد شد که جزئیات آن متعاقبا از سوی ستاد جشنواره اعلام خواهد شد. به گزارش جام‌جم بخش

نخست‌شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران به‌دبیری محمدعلی مرآتی و ریک گستره ملی به‌همت دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. براین اساس مرحله منطقه‌ای این جشنواره با حضور گسترده هنرمندان موسیقی نواحی از استان‌های تهران، قزوین، مازندران، خراسان شمالی، سمنان، گلستان، البرز و قم با برگزاری در استان گلستان به‌عنوان منطقه اول، استان‌های اصفهان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان با برگزاری در استان چهارمحال و بختیاری به‌عنوان منطقه دوم، استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و گیلان با برگزاری در استان آذربایجان شرقی به‌عنوان منطقه سوم، استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، مرکزی و کردستان با برگزاری در استان کرمانشاه به‌عنوان منطقه چهارم، استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان و هرمگان با برگزاری در استان کرمان به‌عنوان منطقه پنجم انجام شد.



خواننده چندزبانه نوروز روی صحنه



احسان یاسین (خواننده موسیقی پاپ) ماه رمضان و نوروز ۱۴۴۳ در شهرهای تهران و شیراز روی صحنه می‌رود و برای دومین بار برای قطعات آلبوم «ماه من» و تازه‌ترین قطعه‌های خود را اجرا می‌کند. این خواننده بعد از انتشار نخستین آلبوم خود که اسفند ۱۴۰۱ منتشر شد، تاکنون

شش قطعه با نام‌های «گوشه شهر»، «جانیم سن سن»، «روای پیچی من»، «مصطفی گیان»، «حبیبی قلبی» و «بی‌تاب» منتشر کرده است و دو قطعه نیز تا قبل از شروع کنسرت‌های خود روانه بازار خواهد کرد. آثار احسان یاسین به‌صورت عمده به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی هستند که البته در دو قطعه جانیم سن سن و مصطفی گیان، اجرا به زبان‌های کردی و آذری را نیز تجربه کرد؛ همین چند زبانه‌بودن باعث همکاری و همخوانی با هنرمندانی از کشورهای مختلف از جمله مصر، کانادا، آمریکا، کره جنوبی، آلبانی، اندونزی و امارات نیز شده است. این خواننده با شرکت در فصل سوم برنامه استعدادیابی «عصر جدید» توانست تا مرحله نهایی این برنامه راه پیدا کند و رای بیش از سه میلیون نفر از بینندگان و همچنین هیات داوران آن رقابت را جلب کند.